

حق بر آزادی و امنیت شخصی در پرتو رأی ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۳ دادگاه اروپایی حقوق بشر

رها لوسین زهادی*

مقدمه

حقوق بشر یکی از مهم‌ترین مقوله‌های مورد توجه دولت‌ها و افراد است. چگونگی شناسایی تحولات این حقوق در چارچوب نظام بین‌المللی (نظام بین‌المللی حقوق بشر) و همچنین نظام‌های منطقه‌ای (نظام اروپایی حقوق بشر، نظام آفریقایی حقوق بشر و نظام آمریکایی حقوق بشر) و همچنین تشکیلات و نهادهایی که به واسطه مشروعیت یافتن انواع این حقوق ایجاد شده‌اند قابل بررسی است. در واقع همین تشکیلات کلان، میانی و خرد، بستر این حوزه را تشکیل می‌دهند.

مسئله‌ای که به عنوان یک فرضیه در پژوهش پیش روی مورد بررسی قرار می‌گیرد،

* نامزد دریافت درجه دکترا در حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال یکم، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۳، صص ۱۶۹-۱۵۵.

روند شکلی طرح یک دعوای حقوق بشری در یکی از انواع نهادهای قضایی منطقه‌ای است. موضوع این پژوهش، طرح دعوا در دادگاه اروپایی حقوق بشر را توصیف و تحلیل می‌نماید. البته عوامل گوناگون و بسیاری در شکل‌گیری یک پرونده حقوقی راجع به نقض حقوق بشر دخیل هستند که بایستی در یک پژوهش حقوقی مورد توجه قرار گیرند. برای نمونه، حتی آزادانه‌ترین سیاست‌های پذیرش چنین دعاوی - که ادعا می‌شود سیاست اروپایی است - با عوامل و ملاحظات سیاسی در ارتباط هستند و گاه با یکدیگر همسویی دارند.

قضیه مورد نظر ما راجع به شکایت خانم واسیلوا^۱ ساکن شهر Arhus در کشور دانمارک از دولت آن کشور مبنی بر نقض حق آزادی و امنیت شخصی^(۱) وی است. قضیه را ابتدا با تشریح روند تصویب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و تأسیس نهادهای تابع آن و سپس در قالب ارایه خلاصه‌ای از جایگاه حق بشر بر آزادی و حق امنیت شخصی، باز خواهیم یافت. پس از تشریح این مطالب، کوشیده‌ایم فرآیند شکلی طرح دعوی و آیین دادرسی ویژه این‌گونه دعاوی را در دادگاه اروپایی حقوق بشر روشن سازیم. در پایان این پژوهش، رأی صادره مورد تحلیل حقوقی قرار گرفته است.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

در هنگام تدوین منشور ملل متحد، پیشبرد حقوق بشر در جهت تأمین صلح و امنیت بین‌المللی و توسعه انسانی، در مقدمه آن مورد توجه قرار گرفت و به عنوان حقوق اساسی بشر مورد شناسایی واقع شد.^(۲) مجمع عمومی سازمان ملل متحد جهت تضمین و ترویج این امر از طریق تأسیس کمیسیون حقوق بشر اقدام به تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ نمود^(۳) این اعلامیه الهام‌بخش انواع اسناد بین‌المللی در زمینه حقوق بشر گردید. بسیاری از پیمان‌نامه‌های حقوق بشری که پس از سال ۱۹۴۸ تهیه و تنظیم شدند

1. Vasileva

ریشه در اعلامیه جهانی حقوق بشر دارند. حق آزادی و امنیت شخصی بشر^۱ از میان انواع حقوق بشر در ماده ۳ این اعلامیه به عنوان یکی از انواع حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده است.^(۴)

پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمیسیون حقوق بشر به عنوان یکی از نهادهای تأسیس شده در چارچوب منشور ملل متحد، به دنبال پیگیری امر، اقدام به تهیه معاهداتی بین‌المللی جهت تضمین و ترویج اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر نمود که در این رابطه پیمان‌نامه‌های بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^(۵) و نیز پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^(۶) در سال ۱۹۶۶ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شدند.

در کنار تلاش‌های صورت گرفته از سوی سازمان ملل متحد، در سطح مناطق مختلفی از جهان اقدامات مثبت و مهمی جهت ترویج و تقویت حصول اهداف نظام حقوق بشر صورت گرفت. از آن جمله می‌توان به کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی که از سوی شورای اروپا در سال ۱۹۵۰ به تصویب رسید و در سال ۱۹۵۳ قدرت اجرایی یافت اشاره نمود. این کنوانسیون تا سال ۱۹۹۸ چند بار مورد تجدید نظر قرار گرفت^(۷) و امکان تجدید نظرهای دیگری نیز با توجه به سیر تحولات این حقوق در منطقه اروپا وجود دارد. در راستای نظارت و کنترل اجرای کنوانسیون مزبور نیز کمیسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۴) و دادگاه اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۹) تأسیس و به موجب کنوانسیون ۱۹۵۳ شهروندان دول عضو از جمله اشخاص حقیقی، گروه اشخاص حقیقی^۲ و سازمان‌های غیر حکومتی علیه دول عضو و نیز دول عضو علیه یکدیگر^۳ قادر به طرح دعوی در موارد نقض حقوق بشر به موجب آن کنوانسیون شدند.^(۸) (مواد ۳۳ و ۳۴ کنوانسیون)

-
1. Right to liberty and security
 2. Individual Applications
 3. Inter-State Cases

شکایت شهروندان دول عضو از دولت‌های متبوع خود، و همچنین دول عضو از یکدیگر در دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح و با رعایت شرایطی مانند طی کلیه مراحل قضایی داخلی^۱ و رعایت آیین دادرسی دادگاه اروپایی حقوق بشر، قابل استماع تشخیص داده شده و به موجب مواد ۲۹ و ۳۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دادگاه ابتدا تلاش خود را در یافتن راه‌حل دوستانه می‌نماید و در صورت عدم حصول نتیجه مورد نظر به موجب مواد ۳۸ و ۳۹ کنوانسیون مزبور سعی در یافتن راه‌حل‌های دوستانه بر مبنای احترام به حقوق بشر و بررسی و تثبیت حقایق امر می‌نماید.^{۲(۹)}

از آنجایی که به موجب ماده ۴۶ پروتکل یازدهم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۷۰، صلاحیت دادگاه اروپایی حقوق بشر اجباری است، این دادگاه به صرف طرح دعوی از سوی شهروند یکی از دول عضو این کنوانسیون علیه دولت متبوع خود یا دول عضو علیه یکدیگر اقدام به صدور رأی می‌نماید.^(۱۰) مسئولیت نظارت بر حسن اجرای آرای صادره از سوی دادگاه حقوق بشر نیز بر عهده کمیته وزرا می‌باشد.^۳

تعداد قضات دادگاه اروپایی حقوق بشر برابر با تعداد دول عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بوده و توسط شورای اروپا برای مدت ۶ سال در این مسند انتخاب می‌شوند. قضات مزبور، نماینده دول خویش نیستند و مستقل عمل خواهند کرد. به موجب آیین دادرسی دادگاه اروپایی حقوق بشر، رسیدگی در دادگاه عمومی و علنی است. در شورای اروپا، سیستمی تحت عنوان مشاوره حقوقی وجود دارد که مدعیان نقض حقوق بشر می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. هر چند بیشتر دول عضو کنوانسیون در عمل اقدام به ایجاد چنین سیستمی در داخل کشور خود جهت بهره‌مندی شهروندان خود ننموده‌اند، ولی این سیستم مشاوره منطقه‌ای نیز به کار خود ادامه می‌دهد. زبان رسمی دادگاه فرانسه و انگلیسی است.

-
1. Exhaustion of all local remedies
 2. Friendly settlement proceedings
 3. Committee of Ministers

جایگاه حقوقی حق بر آزادی و امنیت شخصی

تنها حقی که به نظر مطلق و غیر قابل شرط‌گذاری می‌باشد، حق بر آزادی است. نمی‌توان آن را به کسی اعطا نمود یا از کسی گرفت. آزادی یک حق طبیعی و ذاتی است. در واقع آزادی یک وضعیت روحی است. همه آزاد هستند چه بدانند چه ندانند. هر کس آزاد است تا هر وقت خواست، هر طور میل داشت فکر کند، تصمیم بگیرد و تغییر رفتار دهد.

ولی از طرف دیگر انسان در اجتماع زندگی می‌کند و به همین دلیل نمی‌تواند هر طور که بخواهد عمل نماید، هیچ دولت یا کارگزار دولتی نمی‌تواند از ارتکاب جرم توسط شهروندان علیه یکدیگر ممانعت به عمل آورد و تنها قادر است فاعلان جرم را تعقیب، محاکمه و مجازات نماید. آنچه در اصل انسان را از ارتکاب عمل غیر قانونی باز می‌دارد، قوانین، نیروی انتظامی یا ترس از مجازات نیست، بلکه وجدان بشری است که وی را به رعایت حقوق دیگران وا می‌دارد. در یک جامعه مدنی، بسیاری از افراد آزادانه از ارتکاب عمل غیر قانونی علیه یکدیگر خودداری می‌نمایند چون می‌دانند که رعایت حقوق خودشان بستگی به احترام به حقوق دیگران دارد.

آزادی فاقد محدودیت است و باید به نحو اطلاق و نامحدود وجود داشته باشد تا کامل باشد. لذا در جامعه‌ای که شهروندان آن کاملاً آزاد باشند، هیچ انسانی بدون احساس مسئولیت و تکلیف پاسخ‌گویی در قبال اعمال خود، اقدامی انجام نخواهد داد. در واقع در چنین جامعه‌ای، هر انسانی از آزادی‌های خود با توجه و ملاحظه حق دیگران بر آزادی و برقراری یک توازن میان حق خود بر آزادی و تکلیف وی در مقابل رعایت حق دیگران از آزادی بهره‌مند می‌گردد. آزادی انواع گوناگونی دارد، مانند آزادی تحصیل، آزادی مذهب، عقیده و بیان، سفر و برقراری ارتباطات.

ماده ۹ پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)^(۱) در پنج تبصره به توصیف این حق پرداخته است^۱ به موجب تبصره یک، همه مستحق بهره‌مندی از این حق می‌باشند

و نباید به طور خودسرانه دستگیر یا بازداشت شوند. در واقع در اینجا دستگیری و بازداشت خودسرانه^۱ نوعی محرومیت از حق آزادی انسان توصیف شده است. منظور از این محرومیت، انواع اسباب محرومیت اعم از سبب کیفری، بیماری روانی، ولگردی، اعتیاد به مواد مخدر، تأمین یک هدف آموزشی و علمی حتی کنترل و نظارت بر مهاجرت افراد و غیره است.

دولت‌ها به موجب ماده ۹ این پیمان‌نامه مکلف هستند تا کلیه امکانات و تسهیلات لازم را جهت جبران آسیب و ضرر مادی و معنوی به عمل آمده بر فرد متضرر فراهم نمایند.^(۱۲) در بیشتر موارد اعمال محرومیت از آزادی به طور خودسرانه توسط مسئولان مجری تضمین حقوق بشر، یعنی ارکان دولت‌ها صورت می‌پذیرد. ولی گاهی این مسئولان^۲ اقدام به اعمال محرومیت به طور غیر خودسرانه و به موجب قانون معتبر می‌نمایند، که موارد اجرایی این اقدام بیشتر در پرونده‌های کیفری به چشم می‌خورد. در این صورت نیز به موجب بند ۳ ماده ۹ این پیمان‌نامه، فرد دستگیر یا بازداشت شده باید فوراً و دقیقاً^۳ در اختیار یک قاضی یا مأمور و ضابط مجری قانون با اختیارات قضایی قرار بگیرد. در این رابطه از لحاظ زمانی در پیمان‌نامه مهلت و فرجه تعریف شده‌ای مد نظر قرار نگرفته شده است و این مهم از سوی خود دولت‌های عضو انجام می‌گیرد.^(۱۳) ولی در هر صورت نباید بیش از چند روز^۴ باشد.

موضوع قابل توجه دیگر در این رابطه، طول دوره بازداشتی پیش از برپایی جلسه محاکمه است. به موجب تبصره سه ماده ۹ پیمان‌نامه مزبور، محاکمه افراد باید در یک فاصله زمانی معقول انجام پذیرد و در غیر این صورت فرد بازداشتی باید ترخیص شود. اصولاً بازداشت قبل از انجام یک محاکمه قضایی، یک استثنا بر اصل در حقوق قضایی

-
1. arbitrary arrest or detention
 2. duty-holders
 3. promptly
 4. a few days

محسوب می‌شود و لذا باید تا حد امکان کوتاه و مختصر باشد. دولت‌ها مکلف هستند در راستای تضمین حقوق بشر، مکانیسم‌ها و موازین مشخص و جامع و مانعی به منظور کاهش زمان این‌گونه بازداشت‌ها اتخاذ نمایند.

در مواردی نیز دولت‌ها به موجب معاذیر مختلفی مانند امنیت عمومی اقدام به بازداشت پیشگیرانه می‌نمایند^۱ در این مورد نیز اقدام به عمل آمده نباید خودسرانه باشد و باید به موجب یک قانون مصرح صورت بگیرد، (تبصره یک) و اطلاعات کاملی در خصوص دلایل بازداشت در اختیار فرد گذاشته شود (تبصره دو) و محکمه قضایی صالح بر اجرای قانون نظارت کامل داشته باشد (تبصره ۴) و در صورتی که عمل مزبور نقض قانون مشخصی بوده باشد، خسارت مناسب به متضرر پرداخت شود (تبصره پنج). علاوه بر این در صورتی که متعاقب بازداشت، حکم کیفری علیه فرد بازداشتی از محکمه صالح صادر شد، مندرجات تبصره‌های دو و سه ماده ۹ و نیز ماده ۱۴ پیمان‌نامه حقوق مدنی و سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرد.^(۱۴) (تفہیم اتهام، برپایی جلسه دادگاه طی مدت زمانی معقول و متناسب، اثبات حقانیت و مشروعیت اتهامات جزایی، رعایت اصل بی‌گناهی، انتخاب وکیل)

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز در ماده ۵^(۱۵) تقریباً در همین محدوده حق بر آزادی و امنیت شخصی را توصیف نموده است. این ماده در قضیه مورد بحث ما در قسمت بعد مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

مصادیق حق بر آزادی و امنیت شخصی را می‌توان در سایر اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز یافت. ماده ۱۶ کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴،^(۱۶) مواد ۱، ۵، ۶، ۸، ۱۱، ۱۳ و ۱۴ پیمان‌نامه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶، ماده ۵ کنوانسیون بین‌المللی محو هرگونه تبعیض نژادی ۱۹۶۹،^(۱۷) مواد ۱، ۱۱ و ۱۶ کنوانسیون بین‌المللی محو هرگونه تبعیض علیه زنان ۱۹۸۱^(۱۸) و مواد ۱۳، ۱۴ و ۱۵ کنوانسیون حقوق کودکان ۱۹۸۹^(۱۹) نمونه‌های بارزی در این خصوص می‌باشند.

1. preventive detention

بررسی تحلیلی قضیه

در تاریخ ۱۱ آگوست ۱۹۹۵، خانم واسیلوا متولد سال ۱۹۲۸ در کشور بلغارستان و مقیم کشور دانمارک در شهر Arhus بدون ارایه بلیط معتبر سوار اتوبوس شهری می‌شود. مأمور کنترل بلیط در اتوبوس به منظور تنظیم برگه جریمه، هویت وی را جويا و در مقابل خانم واسیلوا از افشای هویت خود طفره رفته و شروع به ناسزاگویی و فحاشی و پرخاش می‌کند. نیروی انتظامی در مشاجره دخالت کرده و به منظور تنظیم صورتجلسه، هویت وی را جويا می‌گردد. خانم واسیلوا برای بار دیگر از افشای هویت خود طفره می‌رود. نیروی انتظامی وی را در ساعت ۹/۳۰ شب دستگیر و به قرارگاه نیروی انتظامی شهر برده و پس از مدتی وی را به بازداشتگاه منتقل می‌کند. خانم واسیلوا در ساعت ۱۰/۴۵ صبح ۱۲ آگوست ۱۹۹۵ هویت خود را فاش و ساعت ۱۱ صبح آن روز آزاد می‌شود. وی پس از ترخیص مشکل جسمی پیدا کرده و به مدت سه روز در بیمارستان شهر بستری می‌شود. بیماری وی افزایش فشار خون طبیعی بدن تشخیص داده می‌شود.

در ۱۶ آگوست ۱۹۹۵ خانم واسیلوا به سر پاسبان بازداشتگاه شهر Arhus نامه‌ای ارسال می‌کند و از وضعیت پیش آمده گله و شکایت می‌کند. سرپاسبان در نامه مورخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۹۵، چنین پاسخ می‌دهد که هیچ سندی دال بر هویت وی در بازداشتگاه تنظیم نشده و تنها به دلیل وضعیت روحی ایشان و همچنین به دلایل امنیتی و حفظ آرامش شهر وی را به بازداشتگاه فرستاده‌اند. در طول مدت بازداشت نیز شفاهای و با استفاده از تسهیلات الکترونیکی از وی طلب همکاری شده است و وی خودداری به عمل آورده است.

خانم واسیلوا در ۱۴ ژوئن ۱۹۹۶، از سر پاسبان مزبور تقاضای جبران خسارت وارده نمود. سرپاسبان طی نامه ۱۸ جولای ۱۹۹۶ اعلام نمود که پاسخ وی تغییری نسبت به گذشته نکرده است، هر چند اذعان می‌نماید که پرسنل وی موظف بوده‌اند که وی را در اختیار یک پزشک حاذق بگذارند. سرپاسبان اعتراف می‌کند که دوره ۱۲ ساعت بازداشتی برای سن وی مناسب نبوده و به وی پیشنهاد می‌کند تا به سیستم قضایی کشور متوسل شود. جبران خسارت را نیز قابل بررسی در سازمان بازرسی کل کشور دانمارک تشخیص می‌دهد.

خانم واسیلوا در ۱۳ جولای ۱۹۹۶ به بازرسی کل شهر Viborg شکایت نمود که پرونده بدون رسیدگی مختومه اعلام می‌شود. خانم واسیلوا در مارس ۱۹۹۷ شکایت خود را به دادگاه شهر Arhus ارسال نمود. این دادگاه ضمن بررسی موضوع، یک مشاور حقوقی نیز در اختیار وی می‌گذارد. خانم واسیلوا در جلسه محاکمه مدعی می‌شود که علت عدم همکاری وی با نیروی انتظامی، عصبانی بودن وی و شناخت قبلی مأمور اتوبوس از وی بوده است. علاوه بر این بازداشتگاه، پزشک در اختیار وی نگذاشته و هیچ سند کتبی هم در خصوص علت و نحوه بازداشت وی تهیه و تنظیم نشده بود. دادگاه مزبور در سپتامبر ۱۹۹۸ چنین حکم می‌دهد که خواهان به دلیل عدم همکاری با نیروی انتظامی در افشای هویت خود، مرتکب جرم شده و مستوجب مجازات نقدی است و بازداشت وی نیز قانونی بوده است، هر چند دوره بازداشتی وی باید معقول و متناسب با جرم و شرایط سنی مجرم در نظر گرفته می‌شد. دادگاه وی را مستحق دریافت ۲۲۰۰ کرون دانمارک اعلام نمود.

بازداشتگاه شهر Arhus از حکم دادگاه به دیوان عالی کشور در فوریه ۱۹۹۹ تقاضای تجدید نظر نمود که حکم دادگاه قبلی در آن رد می‌شود. خانم واسیلوا نیز متعاقب این امر، اقدام به طرح تقاضای تجدیدنظر خود در همان دیوان می‌نماید که مجدداً در می ۱۹۹۹ رد می‌شود. خانم واسیلوا در آگوست ۱۹۹۹ شکایتی به دلیل نقض بند یک ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (حق بر آزادی و امنیت شخصی) در دادگاه اروپایی حقوق بشر علیه کشور دانمارک طرح می‌نماید. دادگاه مزبور پس از احراز صلاحیت خود و تشخیص قابلیت استماع دعوی در آوریل ۲۰۰۲ چنین استدلال می‌کند که به موجب قاعده نسبت^۱ و به موجب قوانین داخلی کشور دانمارک بازداشت فرد در مدت کوتاه در مورد وقوع جرایم مخفیه لازم و ضروری است و بنابراین ممانعت فرد از اعلام نام، محل تولد، تاریخ تولد و نشانی محل سکونت فرد نمی‌تواند منجر به بازداشت وی به مدت ۱۲ ساعت شود.

1. the requirement of proportionality

از طرف دیگر قانون خاصی^۱ نیز در ارتباط با این جرم در کشور دانمارک و چه بسا در بسیاری از کشورهای دیگر عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر وجود ندارد و در نتیجه ضابط و مجری قانون مکلف بوده است که همان قاعده نسبیت (عرف) را رعایت کند. با توجه به آنچه بیان گردید، دادگاه اروپایی حقوق بشر در وهله نخست به دو پرسش پاسخ داد:

الف - آیا مدت زمان بازداشت، طولانی‌تر از حد معقول بوده است؟

ب - آیا مدت زمان بازداشت، مغایر با قانون نسبیت بوده است؟

منابع استنادی دادگاه در این زمینه قانون داخلی دانمارک و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر بوده است. به موجب کنوانسیون، بازداشت باید قانونی و غیر خودسرانه باشد. منظور از قانونی بودن در اینجا همان مطابقت شرایط بازداشت با قانون داخلی دانمارک است. به موجب قوانین کشور دانمارک نیروی انتظامی مکلف به بازداشت چنین افرادی است تا نظم عمومی را تأمین و از تکرار چنین اعمالی جلوگیری کند: «عدم رعایت تعهدات قانونی از سوی شهروندان» لذا تا اینجا اقدام نیروی انتظامی غیر قانونی نبوده است.

در مرحله بعدی پرسش پیش روی دادگاه به شکل زیر تغییر می‌کند:

- چرا ساعت ۱۱ شب تا ۶/۵ صبح هیچ‌کس از هویت وی جويا نشده است؟

مسئله این عمل به دلیل رعایت حال متهم صورت گرفته است. چون وی در خواب بوده است. ولی دادگاه اعلام می‌کند که با این حال دولت دانمارک مکلف به رعایت قاعده نسبیت بوده و ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر یک استثنا بر اصل است و نباید خودسرانه تفسیر و اجرا شود. علاوه بر این باید بین حمایت از اجرای سریع و صحیح تعهدات قانونی شهروندان در یک جامعه مدنی و تضمین حق آزادی آنها نیز یک توازن برقرار نمود. لذا مدت زمان بازداشتی دقیقاً وابسته به برقراری این توازن می‌باشد.

در این مرحله پرسش بعدی که دادگاه به بحث و بررسی آن می‌پردازد به شرح زیر

1. Lex specialis

است:

- توازن معقول به شرح فوق وجود داشته و رعایت شده یا خیر؟

در پاسخ به این پرسش دادگاه فرضیه‌های دیگری را طرح می‌نماید: الف - طبیعت تعهد ناشی از قانون مربوطه یا موضوع و هدف آن، ب - فرد بازداشت شده و اوضاع و احوال منجر به بازداشت، ج - مدت دوران بازداشت.

الف - اینکه خانم واسیلوا با یک بلیط معتبر سوار اتوبوس شهری شده یا خیر، یک تعهد مطلق و خاص و مورد نظر در پرونده فعلی نیست. تعهد اصلی عدم افشای هویت است. پس قانون خاص دانمارک رعایت نشده است. نیروی انتظامی هم از ارکان یک دولت محسوب می‌شود.

ب - خانم واسیلوا اقدام به فحاشی و پرخاش به نیروی انتظامی و مأمور اتوبوس نموده است. - مسلماً در این مرحله نظام نقلیه و اتوبوسرانی کشور دانمارک نیز می‌توانست مدعی حق شود - .

نیروی انتظامی به دلیل نداشتن اطلاعات شخصی خانم واسیلوا از مشکلات جسمی وی آگاهی نداشته و لذا کلیه اقدامات بازداشتگاه به موجب قانون داخلی کشور دانمارک صورت گرفته است.

ج - دادگاه تشخیص داد که دقیقاً دوران بازداشتی ۱۳/۵ ساعت بوده است و در فاصله ۱۱ شب تا ۶/۵ صبح هیچ اقدامی از سوی نیروی انتظامی صورت نگرفته است. لذا همخوانی و همسویی توازن معقول میان هدف از بازداشت و محرومیت وی از آزادی وجود نداشته است، و در نتیجه بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نقض شده است.

دادگاه در حکم خود،^(۲۰) اجرای ماده ۴۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را از دولت دانمارک خواستار شد:

۱. خواهان تقاضای جبران خسارت معنوی وارده به مبلغ ده هزار کرون دانمارک را نمود که دولت دانمارک مقداری از آن را نپذیرفت. دولت مزبور مدعی بود که حکم صادره

دادگاه بر مبنای ۷/۵ ساعت تعلل و اهمال نیروی انتظامی و نه ۱۳/۵ ساعت، بوده است. دادگاه با نظر دولت دانمارک موافقت به عمل آورد، و رقم خسارت را به ۵۰۰ کرون دانمارک تقلیل داد.

۲. در رابطه با هزینه‌های دادرسی نیز خواهان مدعی دریافت ۱۰۰۰ کرون دانمارک به علاوه خسارات متعلقه بود. دولت دانمارک پرداخت هزینه‌ها را پذیرفت ولی پرداخت خسارات متعلقه را قبول نکرد. چون پیش از این در دانمارک به خواهان مشاوره حقوقی رایگان در کلیه مراحل دادرسی به میزان ۴۰۰۰۰ کرون دانمارک ارایه شده بود. دادگاه با رقم ۱۳۵ کرون دانمارک موافقت به عمل آورد. پرداخت مالیات وارده بر هزینه‌های دادرسی نیز بر عهده دولت دانمارک گذاشته شد.

نتیجه‌گیری

با کمی توجه به مسیر شکل‌گیری پرونده در داخل کشور دانمارک و خارج از آن در سطح اروپا چند نکته قابل توجه است. یکی اینکه مسلماً حل و فصل اختلاف در سطح داخل کشور دانمارک در زمان کوتاه‌تر و به مراتب کم هزینه‌تر حاصل می‌شود. در صورتی که سازمان بازرسی کشور دانمارک پرونده مورد نظر را مورد بازبینی جدی‌تر قرار می‌داد، هم نیروی انتظامی و هم سیستم نقلیه کشوری می‌توانستند ادعاهای خود را مطرح نموده و نتیجه عادلانه‌تری حاصل گردد. در واقع موضوع باید در سطح داخلی مورد توجه قرار می‌گرفت و نقص قانون داخلی کشور در مورد ارایه یک تعریف دقیق از مدت بازداشت افراد، در صورت وجود شرایط خاصی نظیر آنچه در این قضیه وجود داشت، با یک مهارت خاص توسط قضات رسیدگی کننده به پرونده بررسی و گوشزد می‌گردید و روزنامه‌نگاران و خبرنگاران Media موضوع را با شیوه‌های خاص خود و با بهره‌گیری از ارزش‌ها و باورهای ملی خود موشکافی می‌نمودند، و فاعلان نظام حکومتی کشور دانمارک که همان

نیروی انسانی شاغل در ارکان مختلف نظام هستند، موضوع را با زیرکی خاص به نحوی که رضایت کلیه اطراف دعوی تأمین شود، ملاحظه می‌نمودند.

در واقع این رهیافت در راستای حل مسایل مختلف کنونی در اقصی نقاط جهان است که در جایی که hard power یعنی قانون و در مواردی اجبار نتیجه مورد قبول را به همراه ندارد، توسل به soft power یعنی رفتار افراد مسئول در ارکان سه‌گانه یک حکومت می‌تواند بسیار مؤثر باشد. قانون داخلی یک کشور و حتی یک کنوانسیون بین‌المللی، هر چقدر مبهم و غیر قابل تفسیر تنظیم شده است، مجری آن با رعایت اصول حقوقی حاکم بر آن می‌تواند در هرچه بهتر اجرا شدن آن نقش داشته باشد.

از سوی دیگر، در صورت طرح ادعاهایی از این نوع در یک دادگاه منطقه‌ای یا بین‌المللی و عمومیت یافتن قضیه در این ابعاد، مشروعیت و حقانیت ادعای ذیحق در یک نظام حقوقی به روشی صحیح، مستدل، موثق و پایدار تأمین خواهد گردید و مطمئناً نتایج ماندنی‌تری در سطح آن منطقه یا در سطح بین‌المللی به جای خواهد گذاشت.

بنابر آنچه گفته شد، ما در برهه کنونی در برابر چنین رهیافت‌هایی نسبت به حقوق بشر قرار داریم و ضمن اذعان به اهمیت این رهیافت‌ها، باید اعتراف کرد که همچنان تضمین حقوق بشر، مسئولیت اولیه دولت‌ها در نظام حقوق بین‌المللی بشر محسوب می‌شود و دولت‌ها باید همه تلاش خود را در جهت اعمال و اجرای آن در سرزمین خود به عمل آورند. از جمله این تلاش‌ها، قانون‌گذاری جامع و مانع در داخل کشور و پرهیز از تدوین قوانین مبهم و تفسیربردار است. ❖

پی‌نوشت‌ها:

1. Vasileva V. Denmark, 30th April 2002 Case, The European Court of Human Rights.
2. Charter of the United Nations, Introduction, 1945.
3. The Universal Declaration of Human Rights, U.N.Doc.A/810 at 71(1948).
4. The Universal Declaration of Human Rights, Article 3.
5. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, U.N.Doc.A/ 6316(1966).
6. International Covenant on Civil and Political Rights, U.N.Doc.A/ 3616(1966).
7. Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, 1953.As amended by protocols Nos.3/5/8 and 11.
۸. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مواد ۳۳ و ۳۴.
۹. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مواد ۲۹، ۳۵، ۳۸ و ۳۹.
۱۰. پروتکل یازدهم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب نوامبر ۱۹۹۸، ماده ۴۶.
۱۱. پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶، ماده ۹.
۱۲. رعایت و تضمین حقوق بشر از سوی دولت‌های عضو پیمان‌نامه حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶.
13. General Comment 8, Right to Liberty and Security of Persons (Art. 9): 30/06/82. CCPR.
۱۴. پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶، ماده ۱۴.
۱۵. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۵.
16. Convention against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, U.N.Doc.A/39/51 (1984).
17. International Convention on the Elimination of all forms of Racial Discrimination/ 660 U.N.T.S.195/entered into force/1969.
18. Convention on the Elimination of all forms of Discrimination against Women, U.N.Doc.A/34/46), 1981.

19. Convention on the Rights of the Child, U.N.DocA/ 44/49(1989).

20. Case of Vasileva V. Denmark, Application Number 00052792/99, Date 30/04/2002. The European Court of Human Rights.

فهرست ماخذ:

فارسی: (کتاب)

۱. ذاکریان، مهدی، حقوق بشر در هزاره جدید، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.

انگلیسی: (سند)

1. Case of B.B France ,13 May 1987. The European Court of Human Rights.
2. Case of Bnham V.U.K, 10 June 1966. The European Court of Human Rights.
3. Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms.(Rome. 1950-Strassburg 1994).
4. Case of Giulia Manzoni V. Italy, first July 1997 , The European Court of Human Rights.
5. Internatinal Convention of Civil and Political Rights, U.N.Doc.A/ 6316(1966).(ICCPR).
6. Case of Johansen V. Norway, 14 October 1985, The European Court of Human Rights.
7. Case of McVeigh V.U.K, 18 March 1981, The European Court of Human Rights.
8. Case of Nowicka V. Poland, December 2002, The European Court of Human Rights.
9. Case of Reyntjens V. Belgium, 9 September 1992, The European Court of Human Rights.
10. Right to Liberty and Security of Persons (Art. 9): 30/06/82. CCPR General Comment 8.
11. Case of Vasileva V. Denmark, 30 April 2002, The European Court of Human Rights.
12. Case of Witold Litwa V. Poland, 2000, The European Court of Human Rights.

آدرس اینترنتی:

<http://www.hudoc.echer.coe.int>

<http://www.unhchr.ch>

<http://www.librocracy.com>

<http://www.un.org>

<http://www.echr.coe>